



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 19, No. 2, (Serial. 38), Summer 2026

10.30497/qhs.2026.248646.4186

Research Paper

a ailing eee e ppott oe eee e ooonological ooooo o o oooooonic Revelation Attributed to *'Ikrimah* and *al-Ḥasan al-Baṣrī*

Saeedeh Jannesari *
Amir Ahmadnezhad **
MohamadAli Mahdavi Rad ***

Received: 05/08/2025

Accepted: 16/12/2025

Abstract

Although not attributed to any of the Companions of the Prophet, the list of the chronological order of Qur'ānic revelation attributed jointly to *'Ikrimah* and *al-Ḥasan al-Baṣrī* has achieved considerable prominence in the Islamic scholarly tradition. This list, transmitted as a single report attributed to both Successors (*tābi'ūn*), has been preserved through a solitary chain of transmission in which Ḥusayn b. Wāqid al-Marwazī plays a pivotal role. In terms of its frequency of citation in works produced during the first ten centuries of Islam, the report of *'Ikrimah* and *al-Ḥasan* ranks second only to the list attributed to *'Aṭā' al-Khurāsānī*, and in some works it constitutes the sole source for the chronological order of revelation. This study investigates the authenticity of the list attributed to *'Ikrimah* and *al-Ḥasan* and seeks to determine the historical context of its transmission. Drawing upon early sources, the study collects all extant reports concerning the chronological order of revelation and, after accounting for intentional and unintentional textual variations across different manuscript traditions, compares the report of *'Ikrimah* and *al-Ḥasan* with parallel narrations. Employing both classical and contemporary methods of hadith criticism, it evaluates the report's authenticity and historical development. The findings reveal substantial grounds for questioning the attribution of the extant version of the chronological list to these two Successors. An analysis of the isnād network and the role of common links, particularly in light of Ḥusayn b. Wāqid's scholarly engagement with the chronology of revelation and the doctrine of *naskh* (abrogation), suggests that he was the principal compiler of this list. While the general framework of chronological lists of revelation appears to have existed at least since the time of *'Aṭā' al-Khurāsānī* in the early Islamic period, the earliest dissemination of the distinctive version attributed to *'Ikrimah* and *al-Ḥasan* took place in Marw during the mid-second/eighth century. Accordingly, its attribution to these two authorities appears to have served primarily as a means of enhancing its scholarly authority rather than reflecting its actual provenance.

Keywords: *Qur'ānic history; chronological order of revelation; 'Ikrimah; al-Ḥasan al-Baṣrī; dating of traditions.*

© The Author(s) 2026.

* PhD in Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding author).
(sa.jannesari@ahl.ui.ac.ir)

** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
(ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir)

*** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
(mahdavi-rad@ut.ac.ir)





<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۹، شماره ۲، پیاپی ۳۸
بهار و تابستان ۱۴۰۵، صص ۷۲-۴۳

10.30497/qhs.2026.248646.4186

مقاله پژوهشی

تاریخ گذاری روایت ترتیب نزول قرآن کریم به نقل از عکرمه و حسن بصری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

سعیده جان نثاری *

امیر احمدنژاد **

محمدعلی مهدوی راد ***

چکیده

فهرست ترتیب نزول عکرمه و حسن بصری با وجود عدم انتساب به صحابه از شهرت قابل توجهی برخوردار است. این فهرست که به شکل معطوف از این دو تابعی نقل شده، از طریقی منفرد و با نقش محوری حسین بن واقد مروزی منتشر شده است. روایت عکرمه و حسن از نظر فراوانی گزارش در آثار ده قرن نخست، پس از فهرست عطاء خراسانی، در رتبه دوم قرار دارد و در برخی آثار تنها منبع ترتیب نزول به شمار آمده است. پژوهش حاضر، اصالت فهرست عکرمه و حسن و تاریخ گذاری این روایت را هدف قرار داده است. این پژوهش ضمن دستیابی به منابع کهن، تمامی روایات ترتیب نزول را استخراج و با توجه به اختلافات عمدی و سهوی در نسخه های مختلف، روایت عکرمه و حسن را با سایر روایات مقایسه کرده و با استفاده از روش های سنتی و جدید نقد حدیث، اعتبار روایت را سنجیده است. بررسی ها نشان می دهد در صحت انتساب فهرست ترتیب نزولی به شکل موجود به این دو تابعی تردید جدی وجود دارد. تحلیل ساختار شبکه اسناد روایت و بررسی نقش حلقه های مشترک، به ویژه با توجه به جایگاه فقهی و فعالیت حسین بن واقد در حوزه ترتیب نزول و نسخ، نشان می دهد که وی منشأ تدوین این فهرست بوده است. هرچند شاکله کلی فهرست های ترتیب نزول حداقل از زمان عطاء خراسانی در نیمه قرن اول شکل گرفته، اما انتشار اولیه روایت عکرمه و حسن با ویژگی های خاص آن، در نیمه قرن دوم و در بوم مرو صورت گرفته است و انتساب آن به عکرمه و حسن کارکردی اعتباری دارد.

واژگان کلیدی: تاریخ قرآن، ترتیب نزول، عکرمه، حسن بصری، تاریخ گذاری.

* دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) ma.jannesari@ahl.ui.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ahmadnezhad@litr.ui.ac.ir

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران. mahdavirad@ut.ac.ir

این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

طرح مسئله

فهرست ترتیب نزول عکرمه و حسن بصری از طریق حسین بن واقد به شکل معطوف نقل شده است. در منابعی که تا زمان نگارش این مقاله به دست آمده است، روایت ترتیب نزول دیگری از این دو تابعی به صورت جداگانه یا از طریق دیگری مشاهده نمی‌شود. نقل متنی واحد از این دو نفر در بعضی روایات دیگر مانند روایات ناسخ و منسوخ نیز دیده می‌شود (نک: طبری، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۸). روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن از شهرت بالایی برخوردار است، زیرا منابع متعددی در ده قرن نخست و پس از آن، این فهرست را گزارش کرده‌اند و حتی در برخی منابع برای ذکر ترتیب نزول تنها به نقل روایت عکرمه و حسن بصری اکتفا شده است. در رتبه‌بندی میزان گزارش یک فهرست در منابع مختلف، پس از روایت عطاءخراسانی از ابن عباس، روایت مقطوع عکرمه و حسن بصری و فهرست حسین بن واقد قرار دارد. فهرست منتهی به حسین بن واقد که خود راوی فهرست عکرمه و حسن است نیز نشر گسترده‌ای نسبت به غالب فهرست‌ها حتی فهرست‌های منسوب به امام علی (ع) و ابن عباس داشته است. این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی درباره منشأ فهرست عکرمه و حسن، ارتباط آن با سایر فهرست‌های روایی، اختلافات موجود و اساسی میان این فهرست با سایر فهرست‌های نقلی، تاریخ‌گذاری این فهرست، راویان مؤثر و انگیزه‌های تدوین و نشر آن است. در فرایند این پژوهش ابتدا تمامی روایات ترتیب نزول از منابع موجود استخراج شده‌اند. سپس با بررسی دقیق منابع و نسخه‌های مختلف خطی و مطبوع، خطاها و اختلافات کشف شده و روایت عکرمه و حسن با سایر روایات مقایسه شده است. در نهایت، با استفاده از روش‌های نقد حدیث، به ویژه ترسیم شبکه اسناد و یافتن حلقه مشترک بر اساس روش هارالد موتسکی، اعتبار این روایت سنجیده و روند شکل‌گیری آن بازسازی شده است.

برخی از منابع متقدم که در این مقاله معرفی می‌شوند، تاکنون در هیچ کتاب و تحقیقی به عنوان منبع روایت ترتیب نزول معرفی نشده‌اند. به ویژه عدد آی القرآن ابوالعباس کمال که کهن‌ترین منبع به دست آمده شامل فهرست عکرمه و حسن است و از طریق بررسی کتب و نسخ خطی با موضوع «عد الای» و تورق آن‌ها به دست آمد. همچنین دستیابی به متن کتاب *التنبیه علی فضل علوم القرآن* ابن حبیب نیشابوری، گره بزرگی از شناخت قائل فهرستی که در برخی کتب تفسیری و علوم قرآنی مانند *البرهان* زرکشی و *امتاع الاسماع* مقریزی بدون ذکر سند نقل شده، باز می‌کند.

بازخوانی انتقادی روایت عکرمه و حسن بصری و تحلیل نقش واسطه‌ای حسین بن واقد، زمینه‌ای برای فهم دقیق‌تر جایگاه این روایت در فهرست‌های ترتیب نزول و تبیین نسبت آن با سایر روایت‌ها فراهم می‌سازد.

پیشینه تحقیق

غالب آثاری که درباره فهرست‌های روایی تألیف شده‌اند، به روایت عکرمه و حسن بصری اشاره کرده‌اند. بعضی منابع کهن تنها به این فهرست استناد کرده‌اند. منابع ده قرن نخست روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن بصری، به ترتیب وفات مؤلف عبارتند از: عدد آی القرآن ابوالعباس کیال، دلائل النبوة بیهقی، اسباب النزول واحدی (فقط سند و اولین سوره)، الایضاح اندرابی، شواهد التنزیل حسکانی (دو سند، با فهرست ناکامل)، مجمع البیان طبرسی (ناکامل)، تاریخ الاسلام ذهبی (فقط سور مدنی)، مصاعد النظر للاشراف علی مقاصد السور بقاعی، الاتقان و التحبیر سیوطی. طبرسی این روایت را از الایضاح آورده است اما منابع بعدی همگی نقل دلائل النبوة را تکرار کرده‌اند. تألیفات پس از این آثار نیز حاوی متن یا طریق جدیدی برای این روایت نیستند. آثار ده قرن نخست منبع این پژوهش قرار گرفته و در متن مقاله به صورت مفصل بررسی می‌شوند.

در تألیفاتی که در زمینه فهرست‌های روایی نوشته شده است به کتاب عدد آی القرآن کیال هیچ اشاره‌ای نشده است. از جمله این تألیفات می‌توان به درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن اثر دکتر نکونام اشاره کرد که از جامع‌ترین کارهای انجام شده تا به امروز در این حوزه است. در این کتاب الایضاح اندرابی نیز مستقیماً دیده نشده و تنها آن مقدار که طبرسی از آن نقل کرده، گزارش شده است. همچنین تاریخ الاسلام ذهبی نیز مورد بررسی قرار نگرفته است (نکونام، ۱۳۸۰ش، صص ۱۲۹-۱۳۳). در سایر کارهای انجام شده در زمینه فهرست‌های روایی نیز به همین صورت، تنها به دلائل النبوة بیهقی و الاتقان سیوطی که نقل بیهقی را گزارش کرده، مراجعه شده است (نزال، ۱۴۲۷ق، ص ۵۴؛ اقبال، ۱۳۹۴ش؛ الابیاری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶؛ Noldeke, 2013, p.49). در تاریخ قرآن رامیار اصلاً روایت عکرمه و حسن نیامده است. در الموسوعة القرآنیة، فهرست عکرمه و حسن به ترتیبی که در دلائل النبوة آمده، گزارش شده است، اما سه سوره فاتحه، اعراف و مریم که بیهقی پس از ذکر روایت آن‌ها را در توضیح سور جافتاده از فهرست آورده است، بدون هیچ توضیحی به آخرین سوره مدنی عطف کرده است: «... والفتح، وبراء، والفتحة، والأعراف، وکهیص» (الابیاری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶) و بدین صورت خوانندگان را دچار این اشتباه می‌کند که سه سوره آخر مدینه در فهرست عکرمه و حسن این سه سوره‌اند.

در مقاله حاضر کتاب عدد آی القرآن کیال، تاریخ الاسلام ذهبی و مصاعد النظر بقاعی به عنوان منبع روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن برای اولین بار معرفی می‌شوند. این پژوهش تلاش کرده است به نسخ خطی این آثار نیز دست یافته و خطاهای ممکن در نقل و کتابت این فهرست را اصلاح کند. در میان آثار پیشین، هیچ پژوهشی به بررسی تبار و خاستگاه فهرست عکرمه و حسن، سنجش اعتبار و تاریخ‌گذاری آن نپرداخته است. آنچه در این

تألیفات از اعتبار، ریشه و مبنای روایات ترتیب نزول گفته شده است، اظهار نظری کلی است. می‌توان گفت نوشتار حاضر اولین پژوهش مستقل درباره فهرست ترتیب نزول عکرمه و حسن است که ضمن جمع‌آوری این روایت از تمامی منابع موجود و مقایسه آن با سایر روایات ترتیب نزول، به تاریخ‌گذاری آن پرداخته است.

۱. ردیابی روایت عکرمه و حسن بصری در منابع کهن

روایت ترتیب نزول منقول از عکرمه و حسن بصری در منابع زیر در ده قرن نخست یافت شد:

نمودار ۱: منابع روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن بصری تا قرن ۱۰ (به ترتیب سال وفات صاحب کتاب)



منبع مجمع البیان طبرسی و الایضاح اندرابی است اما منابع بعدی همگی به نقل دلائل النبوة تکیه کرده‌اند.

۱-۱. روایت عکرمه و حسن در عدد آی القرآن ابوالعباس کیال

عدد آی القرآن علی مذهب اهل البصره، اثر ابوالعباس کیال البصری متوفی نیمه دوم قرن چهارم هجری و شاگرد محمد بن یعقوب معدل (د بعد از ۳۲۰ هـ) است (سزگین، ۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۴۷). از این کتاب یک نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی با کتابت مربوط به قرن ۹ و ۱۰ در دسترس قرار دارد. نسخه خطی دیگر

این کتابیافت نشد. سزگین در کتاب خود به وجود نسخه‌ای در کتابخانه‌ای در حیدرآباد با تاریخ کتابت ۸۲۶ هجری اشاره می‌کند (سزگین، ۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۴۸). دو نسخه مطبوع از این کتاب نیز وجود دارد (الکیال، حمدان، ۱۴۴۳ق؛ الکیال، الحمیری، ۱۴۴۴ق). مؤلف در ابتدای کتاب به روایات مکی - مدنی و ترتیب نزول اشاره‌ای کلی کرده، سند روایت عکرمه و حسن را آورده و گفته است در آخر کتاب این فهرست را ذکر کردم (الکیال، نسخه خطی، تصویر ششم). سندی که ابوالعباس در بخش ابتدایی کتابش آورده چنین است: «فحدثنا فئۀ ابوداود سلیمان بن الاشعث قال حدثنا محمد بن عقیل النیسابوری قال حدثنا علی بن الحسین بن واقد قال حدثنا (یک کلمه پاک شده) النحوی عن عکرمه و الحسن ابن ابی الحسن من اول القرآن الی آخره». در نسخه خطی، میان ابوداود و سلیمان یک واژه «عن» نوشته شده است که این تصور را ایجاد می‌کند که سلیمان بن اشعث راوی دیگری است و ابوداود از او نقل کرده است، اما با توجه به ذکر نام ابوداود سلیمان بن الاشعث السجستانی (صاحب سنن ابی داود، از صحاح سته) در اولین عبارت کتاب به عنوان شیخ شیخ مؤلف، اضافه شدن کلمۀ «عن» در اینجا خطای استنساخ است. در نقل آتی روایت، نام راوی تنها به صورت ابوداود آمده است. همچنین در نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس، به اشتباه به جای «علی بن الحسین»، «علی بن الحسن» کتابت شده، که با توجه به نام این راوی در سایر اسناد، اشتباه در استنساخ است.

در انتهای کتاب این روایت به طور کامل با سرگفتار «ذکر ما نزل بمکۀ و المدینۀ سورۀ بعد سورۀ فی قول عکرمۀ و الحسن» بدین صورت آمده است (الکیال، نسخه خطی، تصویر ۱۴۵ ص ۲۹۰):

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

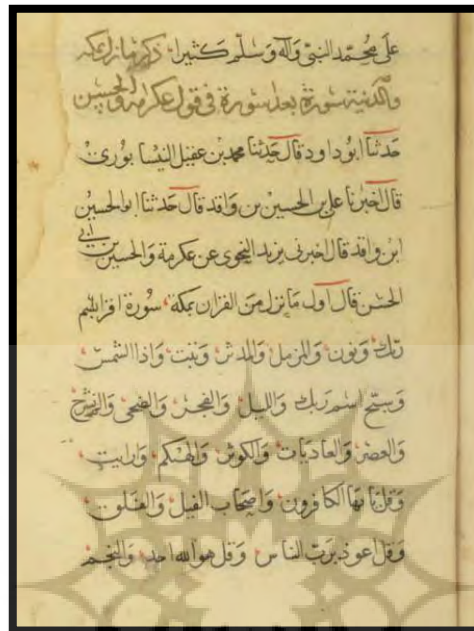
حدثنا ابوداود قال حدثنا محمد بن عقيل النيسابوري قال اخبرنا علي بن الحسين بن واقد قال حدثنا ابو الحسين بن واقد قال اخبرني يزيد النحوي عن عكرمة و الحسين بن ابي الحسن قال

أول ما نزل من القرآن بمكة، سورة اقرأ باسم ربك، ونون، والمزمل، والمدثر، وتبت، وإذا الشمس، وسبح اسم ربك، والليل، والفجر، والضحي، وألم نشرح، والعصر، والعاديات، والكوثر، والهيكم، وأرأيت، وقل يا أيها الكافرون، واصحاب الفيل، والفلق، وقل اعوذ برب الناس، وقل هو الله أحد، والنجم، وعبس، وأنا انزلناه، والشمس وضحاها، والسماء ذات البروج، والتين، ولايلاف، والقارعة، ولا أقسم بيوم، والهمزة، والمرسلات، و ق، ولا اقسم بهذا، والسماء والطارق، واقتربت، وص، والاعراف، والجن، و يس، والفرقان، والملايكة، ومريم، وطه، والواقعة، و طسم، و طس، و طسم، وبنى إسرائيل، و يونس، وهود، ويوسف، والحجر، والأنعام، والصفات، ولقمان، وسبأ، والزمر، و حم المؤمن، و حم السجدة، و حم عسق، وحم الزخرف، و حم الدخان، و حم الجاثية، و حم الأحقاف، والذاريات، والغاشية، والكهف، والنحل، ونوح، وإبراهيم، والأنبياء، والمؤمنون، و الم السجدة، والطور، والملك، والحاقة، و سأل سائل، و عم يتساءلون، والنازعات، وإذا السماء انفطرت، و اذا السماء انشقت، والروم، والعنكبوت، فهذا ما نزل بمكة؛

وما نزل بالمدينة ويل للمطففين، والبقرة، والأنفال، وآل عمران، والأحزاب، والمائدة، والممتحنة، والنساء، وإذا زلزلت، والحديد، وسورة محمد صلى الله عليه، والرعد، والرحمن، جل ذكره، و هل أتى على الانسان، والطلاق، و لم يكن، والحشر، و إذا جاء نصر الله، والنور، والحج، والمنافقون، والمجادلة، والحجرات، و لم تحرم، والصف، والجمعة، والتغابن، والفتح، وبراءة (الكيال، نسخة خطي، تصوير ۱۴۵).

در این نسخه خطی واژه «ابو» به اشتباه به حسین بن واقد اضافه شده است که با توجه به نام این راوی قابل تصحیح است. در یکی از نسخ مطبوع این اشتباه تصحیح شده و به جای آن «ابی» به معنای «پدرم» نوشته شده است (الکیال، حمدان، ۱۴۴۳ق، ص ۵۵۳). همچنین در نسخه خطی برای نام حسن بصری در سند به جای الحسن به اشتباه «الحسین» کتابت شده اما با توجه به ابتدای کتاب که همین سند را به درستی با نام «الحسن» نگاشته است و نیز عنوان همین قسمت که روایت عکرمه و الحسن را سرگفتار قرار داده است، این اشتباه تصحیح می شود.

تصویر ۱: روایت عکرمه و حسن در نسخه خطی کتاب عدد آی القرآن ابوالعباس الکیال



مؤلف در ادامه آورده است که: بنابراین اولین سوره‌ای که در مکه نازل شده، «اقراء» و آخرین آن عنکبوت است و سور مکی ۸۴ سوره هستند، و اولین سوره‌ای که در مدینه نازل شده «ویل للمطففین» است و آخرین آن «براءة» (توبه) است و آن ۲۹ سوره است و در این حدیث سوره «حمد» ذکر نشده است. مؤلف برخلاف روایت، به این قول که حمد مکی و اولین سوره نازل شده در مکه است تأکید می‌کند (الکیال، نسخه خطی، تصویر ۱۴۷).

درباره ترتیب سور طواسیم با توجه به سایر فهرست‌های ترتیب نزول به نظر می‌رسد منظور شعراء، نمل و سپس قصص است. در سایر منابع که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود اگر این بخش از فهرست آمده باشد، این سور به همین صورت حروف مقطعه آمده است، مگر در الایضاح اندرابی که ترتیب این سور نیز به گونه‌ای دیگر است. درباره ترتیب سور انفال و آل عمران نیز در تحریر دیگری از این روایت اختلاف وجود دارد.

از ویژگی‌های خاص و البته نه منحصر به فرد این فهرست، قرار دادن سوره مطففین در صدر سور مدنی و جایگذاری سوره مائده در شمار اولین سور مدنی (میان سوره احزاب و ممتحنه) است. همچنین سوره صف برخلاف سایر فهرست‌ها، پیش از سوره جمعه و تغابن واقع شده است.

در میان فهرست‌های نقلی تنها فهرست ابوصالح از ابن عباس است که سوره مطففین را مشابه فهرست عکرمه و حسن اولین سوره مدنی برشمرده است.

در مورد سوره مائده نیز فهرست گریب از ابن عباس و فهرست جابر بن زید، ترتیبی مشابه روایت عکرمه و حسن دارند. در فهرست امام علی (ع) از مقاتل بن سلیمان که در تفسیر شهرستانی آمده است، سوره مائده حتی از این سه ترتیب نیز جلوتر واقع شده و پیش از احزاب و ممتحنه قرار داده شده است. در سایر فهرست‌های نقلی سوره مائده آخرین سوره یا در شمار آخرین سور مدنی است.

سوره‌های رعد، رحمان، انسان و حج در فهرست عکرمه و حسن، مشابه اکثر فهرست‌های روایی در شمار سور مدنی قرار دارند. همچنین مشابه اکثر فهرست‌های روایی، سوره‌های عادیات، معوذتین، واقعه و سجده نیز مکی شمرده شده‌اند و ترتیب سور حوامیم نیز مطابق ترتیب مصحف آمده است. قدمت این منبع نسبت به منابع بعدی روایت عکرمه و حسن بصری و نیز کامل بودن و عدم جافتادگی نام سور امتیازی است که این منبع و فهرست منقول در آن را حائز اهمیت می‌کند. با توجه به این که در ابتدای کتاب مؤلف (محمد بن یعقوب) خود را به شیخ خود ابوداود سجستانی متصل نموده، بنابراین این روایت در واقع با دو واسطه به علی بن حسین بن واقد (بخش مشترک سند در تمامی روایات ترتیب عکرمه و حسن) می‌رسد. با وجود قدمت کتاب عدد آی القرآن ابوالعباس الکیال و امتیازات فهرستی که در آن نقل شده، این منبع تا زمان نگارش پژوهش حاضر مورد توجه فهرست‌پژوهان قرار نگرفته است.

۲-۱. روایت عکرمه و حسن در دلائل النبوه بیهقی

ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی (د ۴۵۸ هـ.ق) در دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، باب «ذکر السور التي نزلت بمكة و التي نزلت بالمدينة» روایت عکرمه و حسن را به عنوان روایتی مکی - مدنی چنین آورده است:

أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، قال: أخبرنا أبو محمد بن زياد العدل، قال: حدثنا محمد بن إسحاق، قال: حدثنا يعقوب بن إبراهيم الدورقي، قال: حدثنا أحمد بن نصر بن مالک الخزاعي، قال: حدثنا علي بن الحسين ابن واقد، عن أبيه، قال: حدثنا يزيد النحوي عن عكرمة، و الحسن بن أبي الحسن، قالوا:

(ما) أنزل الله من القرآن بمكة: اقرأ باسم ربك الذي خلق، ون والقلم، والمزمل، والمدثر، وتبت يدا أبي لهب، وإذا الشمس كورت، وسبح اسم ربك الأعلى، والليل إذا يغشى، والفجر، والضحى، والانشراح ألم نشرح، والعصر، والعاديات، والكوثر، والهائم، وأرأيت، وقل يا أيها الكافرون، وأصحاب الفيل، والفلق، قل اعوذ برب الناس، وقل هو الله أحد، والنجم، وعبس و تولى، وأنا أنزلناه، والشمس وضحاها، والسماء ذات البروج، والتين و الزيتون، ولأيلاف قريش، والقارعة، ولا أقسم بيوم القيامة، والهمزة، والمرسلات، ق و القرآن المجيد، ولا أقسم بهذا البلد، والسماء والطارق، واقتربت الساعة، ص و القرآن، والجن، و يس، والفرقان، والملائكة، و طه، و الواقعة، و طسم، و طس، و طسم، و بني إسرائيل، والتاسعة، وهود، ويوسف، وأصحاب الحجر، والأنعام، والصفات، ولقمان، وسبأ، والزمر، و حم المؤمن، و حم الدخان، و حم السجدة، و حمعسق، و حم الزخرف، و الجاثية، و الأحقاف، و الذاريات، و الغاشية، و أصحاب الكهف، و النحل، و نوح، و إبراهيم، و الأنبياء، و المؤمنون، و ألم السجدة، و الطور، و تبارك الذي بيده الملك، والحاقة، و سأل سائل، عم يتساءلون، والنازعات، وإذا السماء انشقت، و اذا السماء انفطرت ، والروم، والعنكبوت.

وما نزل بالمدينه ويل للمطففين، والبقرة، وآل عمران، والأنفال، والأحزاب، والمائدة، والممتحنة، والنساء، وإذا زلزلت، والحديد، و محمد، والرعد، والرحمن، و هل أتى على الإنسان، والطلاق، لم يكن، والحشر، و إذا جاء نصر الله، والنور، والحج، والمنافقون، والمجادلة، والحجرات، يا أيها النبي لم تحرم، والصف، والجمعة، والتغابن، والفتح، وبراءة.

در ادامه روایت توضیح داده شده که منظور از «التاسعة» سورة یونس است و از بخش مکی این روایت ذکر سوره‌های فاتحه کتاب، اعراف و کهيعص (مریم) جا افتاده است (بيهقي، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۴۲). عنوان التاسعه برای سورة یونس در روایت جابر بن زید، هم در البیان دانی (دانی، ۲۰۱۱م، ص ۱۷۱) و هم در الاتقان سیوطی (نسخ خطی و مطبوع) تکرار شده است. اما در گزارش روایت عکرمه و حسن در نسخ خطی الاتقان به جای واژه التاسعه، السابعة نوشته شده است.

در مقایسه با منبع پیشین با توجه به فاصله نزدیک به صد سال میان تألیف این دو منبع، نقل بیهقی از لحاظ سند با دو واسطه بیشتر روایت شده است. طریق بیهقی تا علی بن حسین بن واقد طریقی متفاوت از ابوالعباس الکیال است. با این همه، این دو ترتیب بسیار به هم نزدیک هستند و شاخصه‌هایی چون عدم ذکر سورة حمد و تقدیم

مأنده نسبت به اکثر فهرست‌ها را داراست و جابه‌جایی سور میان بخش مکی و مدنی دیده نمی‌شود. تنها تفاوتی که شایان توجه است، تقدم سورة آل عمران بر انفال است که به دلیل شهرت *دلائل النبوه* بیهقی در نقل فهرست‌ها، غالب تحقیق‌های فهرست‌پژوهی، این ترتیب را ویژگی فهرست عکرمه و حسن پنداشته‌اند (برای نمونه: نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۶). این ویژگی در فهرست جابر بن زید نیز دیده می‌شود. اما یافتن منبعی چون *عدد آی القرآن* الکیال و تأیید ترتیب انفال - آل عمران با برخی منابع بعدی مانند *الایضاح* اندرابی نشان می‌دهد که جابه‌جایی این دو سوره در روایت اصیل عکرمه و حسن قطعی نیست.

دو جابه‌جایی جزئی دیگر نیز میان این دو روایت وجود دارد که عبارتند از جایگذاری سوره دخان پس از غافر در ترتیب بیهقی در حالی که در منبع پیشین حوامیم به ترتیب مصحف ذکر شده‌اند؛ جابه‌جایی دیگر میان انفطار و انشقاق است که در ترتیب بیهقی ابتدا انشقاق نام برده شده است. این دو اختلاف میان دو تحریر روایت می‌تواند ناشی از خطای نقل یا استنساخ باشد.

بیهقی پس از روایت عکرمه و حسن، سند روایت مجاهد از ابن عباس را ذکر می‌کند و متن آن را مشابه روایت پیشین معرفی می‌کند. او روایت عکرمه و حسن را مرسل صحیح خوانده و می‌گوید: «این حدیث (روایت مجاهد از ابن عباس) همراه با مرسل صحیحی که قبل از آن گفته شد، در تفسیر مقاتل و دیگر مفسران شاهدهی دارد» (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۴۲). بیهقی فقط محتوای فهرست عکرمه و حسن را آورده و فهرست مجاهد را مطابق آن توصیف کرده است. او درباره‌ی شاهدهی که از این فهرست در تفسیر مقاتل آمده توضیح بیشتری نداده است. در تفسیری که امروزه به عنوان تفسیر مقاتل در دست ماست هیچ فهرست ترتیب نزولی ذکر نشده است. تنها در ابتدای تفسیر هر سوره که به ترتیب مصحف چینش شده‌اند، درباره‌ی مکی یا مدنی بودن آن اظهار نظر شده است (نک: مقاتل، ۱۴۲۳ق). از سوی دیگر، فهرست عکرمه و حسن هم با فهرستی که از مجاهد در منابع دیگر آمده است (ابن الندیم، ۱۴۳۰ق، ص ۶۲؛ ابن العربی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰) و هم با فهرستی که شهرستانی با عنوان فهرست مقاتل از امام علی (ع) یا فهرست مقاتل از رجالش آورده است، اختلاف زیادی دارد (شهرستانی، ۱۳۶۸ق، صص ۱۷ تا ۱۹). به نظر می‌رسد منبع بیهقی برای فهرست‌هایی که تنها به راوی آن‌ها اشاره کرده با آنچه در دسترس ما بوده متفاوت است. احتمال دیگری که می‌توان داد این است که بیهقی در این اثر در صدد گزارش دقیق فهرست‌های ترتیب نزول و اختلافات آن‌ها نبوده است و نگاهی کلی‌نگر به مسئله‌ی مکی-مدنی و ترتیب نزول سوره‌های قرآن داشته است. بیهقی فهرست عکرمه و حسن را «مرسل صحیح» خوانده است؛ به نظر می‌رسد بیهقی با لفظ «مرسل» صدور روایت از عکرمه و حسن را نفی می‌کند و ترتیب نزول ایشان را دریافت شده از صحابه و از آن طریق از

پیامبر(ص) (واقعیت نزول) اعلام می‌کند. همچنین، واژه «صحیح» در این عبارت در معنای لغوی به کار رفته است، نه آنچه در علم حدیث مصطلح است.

۱-۳. روایت عکرمه و حسن در اسباب نزول واحدی

علی بن احمد الواحدی نیشابوری (د ۴۶۸ هـ) در کتاب *اسباب نزول القرآن*، باب «القول فی أول ما نزل من القرآن» پیش از ورود به سبب نزول آیات به ترتیب مصحف، تنها سند روایت عکرمه و حسن و اولین سوره نازله در مکه را از قول این دو ذکر می‌کند:

أخبرنا أحمد بن محمد بن إبراهيم المقرئ، أخبرنا أبو الحسين علي بن محمد بن الجرجاني، حدثنا نصر بن محمد الحافظ أخبرنا محمد بن مخلد أن محمد بن إسحاق حدثهم حدثنا يعقوب الدورقي حدثنا أحمد بن نصر بن زياد حدثنا علي بن الحسين بن واقد، حدثني أبي، حدثني يزيد النحوي، عن عكرمة والحسن قالا:

أول ما نزل من القرآن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فهو أول ما نزل من القرآن بمكّة، وأول سورة أقرأ بِاسْمِ رَبِّكَ (واحدی، ۱۴۱۹ق، صص ۱۳-۱۴)

سند این روایت علاوه بر راویان نزدیک به زمان صدور تا علی بن حسین بن واقد، تا محمد بن اسحاق یعنی سه راوی دیگر نیز با *دلائل النبوه* بیهقی مشترک است. البته در اسباب نزول واحدی نام راوی علی بن حسین بن واقد «احمد بن نصر بن زیاد» آمده در حالی که در روایت بیهقی به جای زیاد «المالک الخزاعی» ذکر شده که با توجه به بقیه سند و نیز بررسی کتب تراجم، صحت عنوان «احمد بن نصر بن مالک خزاعی» قطعی به نظر می‌رسد. احمد بن نصر بن زیاد قرشی نیشابوری -سپس شامی- نیز هم عصر اوست، متوفی ۲۴۵ (ابن منظور، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۳۰۹) بنابراین از لحاظ اتصال مشکلی در سند ایجاد نمی‌کند، اما مقایسه با سایر اسناد و روایات و نیز بوم این دو راوی نشان می‌دهد که نام این راوی اشتباه درج شده است. در تاریخ بغداد، خطیب ضمن ترجمه این راوی و اعلام علم و فضل و شهرت او به نیکی، میان کسانی که احمد بن نصر بن مالک خزاعی از آن‌ها نقل می‌کند، نام علی بن حسین بن واقد را آورده و میان کسانی که از او نقل کرده‌اند نیز نام یعقوب بن ابراهیم دورقی را ذکر می‌کند. احمد بن نصر بن مالک در سال ۲۳۱ هـ در خلافت واثق عباسی به دلیل امتناع از قول به خلق قرآن کشته شد (خطیب بغدادی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، صص ۱۷۳-۱۷۶). ابن حبان او را شهید مروزی و شهید مصلوب نامیده و روایت آخرین آیه نازله را از او با همین طریق علی بن حسین بن واقد از پدرش از یزید النحوی از عکرمه از ابن عباس نقل کرده است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۱۲). بنابراین از یزید تا خزاعی همه مروزی الاصل هستند.

در مورد متن روایت، همانطور که دیده می‌شود فهرست سور نیامده و تنها به اولین عبارت و اولین سوره نازل به سند شده است. اما در همین یک عبارت تفاوتی با تمام روایات ترتیب نزولی که در این پژوهش گردآوری و گزارش شده است دیده می‌شود، و آن تصریح به نزول «بسم الله الرحمن الرحيم» به عنوان اولین عبارت نازل از قرآن در مکه است که در ابتدای این روایت آمده است (واحدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۴). با توجه به سایر روایات به نظر می‌رسد این جمله توضیحی باشد که راویان بعدی به روایت افزوده‌اند.

۱-۴. روایت عکرمه و حسن در الايضاح اندرابی

شیخ احمد زاهد اندرابی خراسانی (د ۴۷۰ هـ.ق)، در کتاب خود، الايضاح فی القرائات العشر، یکی از روایاتی که نقل می‌کند، روایت عکرمه و حسن بصری است. متن روایت بدین صورت است:

اخبرنا ابوعلی البخاری اجازة، قال اخبرنا ابوالحسين قال حدثنا ابوبكر احمد بن جعفر بن سلم قال حدثنا عبدالله بن حمدويه البغلاني قال حدثنا مطهر بن الحكم الكرابسي قال حدثنا علي بن الحسين بن واقد قال حدثنا يزيد النحوي عن عكرمة و الحسن بن الحسين:

انّ اول ما انزل الله عز و جل من القرآن بمكة على الترتيب اقرأ باسم ربك، ون والقلم، والمزمل، والمدثر، وتبت يدا ابي لهب، وإذا الشمس كورت، وسبح اسم ربك الاعلى، والليل اذا يغشى، والفجر، والضحى، وألم نشرح، والعصر، والعديات، والكوثر، والهيكم، وأرأيت، وقل يا ايها الكافرون، واصحب الفيل، والمعوذتين، وقل هو الله أحد، والنجم، وعبس و تولى، وانا انزلناه، والشمس، والسما ذات البروج، والتين و الزيتون، ولايلاف قريش، والقارعة، ولا أقسم بيوم القيمة، والهمزة، والمرسلات، وقاف، ولا أقسم بهذا البلد، والسما والطارق، واقتربت الساعة، وص و القرآن، والاعراف، والجن، و يس، والفرقان، والملائكة، ومريم، وطه، والواقعة، و الشعرا، و القصص، و النمل، وبنى إسرائيل، و يونس، وهود، ويوسف، والحجر، والأنعام، والصفات، ولقمن، وسبأ، والزمر، والمؤمن، وحم السجدة، و حم عسق، و حم الزخرف، وحم الدخان، والجاثية، والأحقاف، والذاريات، والغاشية، والكهف، والنحل، ونوح، و إبراهيم، والأنبياء، والمؤمنون، وألم السجدة، والطور، و تبارك الملك، والحاقة، و سأل سائل، وعم يتسالون، والنازعات، وانفطرت، وانشقت، والروم، والعنكبوت.

وما نزل بالمدينة ويل للمطففين، والبقرة، والأنفال، وآل عمران، والأحزاب، و المائدة، والممتحنة، والنسا، وإذا زلزلت، والحديد، وسورة محمد، والرعد، والرحمن، و هل أتى على الانسان، ويايها النبي اذا طلقتم، لم يكن، والحشر، و إذا جاء نصر الله، والنور، والحج، والمنافقون، والمجادلة، والحجرات، والتحريم، والصف، والجمعة، والتغابن، والفتح، وبراءة (اندرابی، نسخه خطی، باب عاشر، تصویر ۳۴۰؛ اندرابی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۵).

طبق اطلاعات تراجم، اندرابی هم عصر بیهقی و واحدی است. طریق اندرابی بعد از علی بن حسین بن واقد تا اندرابی نیز متفاوت از هر دو منبع قبلی یعنی عدد آی القرآن ابوالعباس الکیال و دلائل النبوه بیهقی است، اما محتوای روایت مشابه آن‌ها به خصوص عدد آی القرآن است. تنها تفاوت این ترتیب با روایات پیشین در سور طواسیم است که در آن‌ها به صورت «طسم، طس، طسم» و در الایضاح «شعراء، قصص، نمل» آمده است که با ترتیب حروف مقطعه هم‌خوانی ندارد. اما سایر روایت کاملاً مطابق با روایت ابوالعباس کیال است، هم از لحاظ ترتیب انفال-آل عمران و هم ترتیب حوامیم و انفطار-انشقاق. وجود این روایت می‌تواند تأییدکننده تحریر ابوالعباس باشد و جابه‌جایی آل عمران و انفال نسبت به غالب فهرست‌ها را به عنوان ویژگی خاص برای ترتیب عکرمه و حسن نفی کند.

۵-۱. روایت عکرمه و حسن در شواهد التنزیل حسکانی

قاضی ابوالقاسم، عبیدالله بن عبدالله حسکانی نیشابوری (د ۴۹۰ هـ.ق) در *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ذیل سوره انسان و در جهت اثبات مدنی بودن آن، روایت عکرمه و حسن را با دو طریق آورده است. او اسناد را کاملاً ذکر کرده اما از متن روایات فقط بخشی از سور مدنی را آورده است. روایت اول تنها در همان بخش ابتدایی سند یعنی تا علی بن حسین بن واقد با روایات پیشین مشترک است و طریق روایت از پسر ابن‌واقد تا مؤلف جدید است. ترتیب یادشده تا جایی که ذکر شده مطابق عدد آی القرآن ابوالعباس و الایضاح اندرابی است، یعنی مانند اکثر فهرست‌ها انفال بر آل عمران مقدم است:

أخبرنا ابونصر المقرئ حدثنا ابوعمرو بن مطر إملاء في المحرم سنة تسع و خمسين حدثنا جعفر بن أحمد بن نصر الحافظ حدثنا محمد بن علي الثقفي قال: حدثني علي بن الحسين بن واقد، قال: حدثني أبي، قال: حدثني يزيد عن عكرمة، والحسن بن أبي الحسن: أن أول ما أنزل الله من القرآن بمكة اقرأ باسم ربك [الذي خلق] و ن والقلم. وذكر (كلامه) إلى قوله:

وما أنزل الله بالمدينة ويل للمطففين، والبقرة، والأنفال، وآل عمران، والأحزاب (وساق كلامه) إلى (قوله): والرحمن، و هل أتى على الإنسان، و يا أيها النبي إذا طلقتم. الحديث (حسکانی، ۱۴۱ق، ج ۲، ص ۴۱۳).

اما روایت دوم هم از لحاظ سند و هم از لحاظ متن تا جایی که حسکانی ذکر کرده، کاملاً مطابق دلائل النبوه بیهقی است و روایت جدیدی محسوب نمی‌شود:

أخبرنا الحاكم ابو عبدالله، قال: أخبرني ابو محمد بن زياد العدل أخبرنا محمد بن إسحاق حدثنا يعقوب بن إبراهيم الدورقي حدثنا أحمد بن نصر بن مالك الخزاعي حدثنا علي بن الحسين بن واقد، عن أبيه قال: حدثني يزيد النحوي عن عكرمة و الحسن قالا ما أنزل الله من القرآن بمكة: اقرأ باسم ربك و ذكر إلى قوله:

و(أما) ما أنزل بالمدينة (فهى) ويل للمطففين، والبقره، وآل عمران، والأنفال، والأحزاب، والمائدة، والممتحنة، والنساء، وإذا زلزلت والحديد، ومحمد، والرعد، والرحمن، و هل أتى على الإنسان، والطلاق، و لم يكن. وذكر الحديث (وقد) اختصرته أنا وساويته فى إسناده (حسكاني، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۱۳).

روایات یادشده مؤید وجود دو تحریر از روایت عکرمه و حسن است که مهم ترین اختلاف آن دو در ترتیب انفال و آل عمران است.

۱-۶. روایت عکرمه و حسن در مجمع البیان طبرسی

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی الطوسی در مجمع البیان لعلوم القرآن (آنطور که خود مؤلف در فن اول کتاب آن را نامگذاری کرده است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۷۷))، ذیل سوره انسان چند فهرست ترتیب نزول از الایضاح فی القرائات العشر شیخ احمد زاهد اندرابی به صورت ناکامل نقل کرده است؛ از جمله روایت عکرمه و حسن: ویاسناده عن عکرمه و الحسن بن أبی الحسن البصری إن أول ما أنزل الله من القرآن بمكة على الترتیب اقرأ باسم ربك و ن و المزمّل إلى قوله:

وما نزل بالمدينة ويل للمطففين والبقره والأنفال وآل عمران والأحزاب والمائدة والممتحنة والنساء وإذا زلزلت والحديد وسورة محمد(ص) والرعد والرحمن و هل أتى على الإنسان إلى آخره (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۶۱۳).

این گزارش اولین گزارشی است که نام حسن را همراه نسب او یعنی «البصری» آورده است. ترتیب سور تا جایی که آورده شده کاملاً مطابق مخطوط الایضاح (مرجع این مقاله) است. طبرسی در ادامه یادآور می شود که اطاله کلام ذیل سوره انسان به این خاطر بود که بعضی متعصبان به این سبب نزول طعن زده و می گویند سوره انسان مکی است پس چطور ممکن است داستانی که در مدینه رخ داده متعلق به آن باشد و با گستاخی بر خدای سبحان و به دلیل عداوت با اهل بیت رسولش این استدلال را می آورند تا بگویند این قضیه ساختگی است. او دانش ترتیب نزول را به عنوان آشکار کننده حق و برهانی در برابر دشمنان برشمرده و معرفت ترتیب سور در

تنزیل را چنین وصف می‌کند که این علم با نور خود روشنایی می‌بخشد و با تابش خود تالو و درخشندگی ایجاد می‌کند تا اسرار در گنجینه و گوهرهای پنهان آشکار شود (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۶۱۴).

۱-۷. روایت عکرمه و حسن در تاریخ الاسلام ذهبی

محمد بن احمد الذهبی (د ۷۴۸ هـ) در کتاب تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام خود، فصل السیره النبویه، بابی با عنوان «باب آخر ما نزلت» گشوده و روایات مختلفی که درباره آخرین آیه نازل شده است را گردآوری کرده و می‌گوید هر کدام از این راویان به مقتضای دانشی که داشته‌اند از آخرین آیه خبر داده‌اند. برای نمونه، روایتی از همین طریق از عکرمه نقل می‌کند: «وقال الحسين بن واقد، عن يزيد النحوي، عن عكرمة، عن ابن عباس قال: آخر شيء نزل من القرآن «واتقوا يوما ترجعون فيه إلى الله» (بقره: ۲۸۱)». سپس بخش مدنی روایت عکرمه و حسن را آورده است:

وقال الحسين بن واقد: حدثني يزيد النحوي، عن عكرمة والحسن بن أبي الحسن، قالا: نزل من القرآن بالمدينة: ويل للمطففين، والبقره، وآل عمران، والأنفال، والأحزاب، والمائدة، والممتحنة، والنساء، وإذا زلزلت، والحديد، ومحمد، والرعد، والرحمن، وهل أتى، والطلاق، ولم يكن، والحشر، وإذا جاء نصر الله، والنور، والحج، والمنافقون، والمجادلة، والحجرات، والتحريم، والصف، والجمعة، والتغابن، والفتح، وبراءة. قالا: ونزل بمكة فذكر ما بقي من سور القرآن (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۱۰).

ترتیب سور مدنی در این روایت کاملاً مطابق دلائل النبوه است. ذهبی در مقدمه کتاب، لیستی از کتب منبع خود را می‌آورد و در صدر لیست از دلائل النبوه بیهقی نام می‌برد (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۲). بنابراین طبیعی است که روایت عکرمه و حسن را از آنجا نقل کرده باشد.

۱-۸. روایت عکرمه و حسن در مصاعد النظر بقاعی

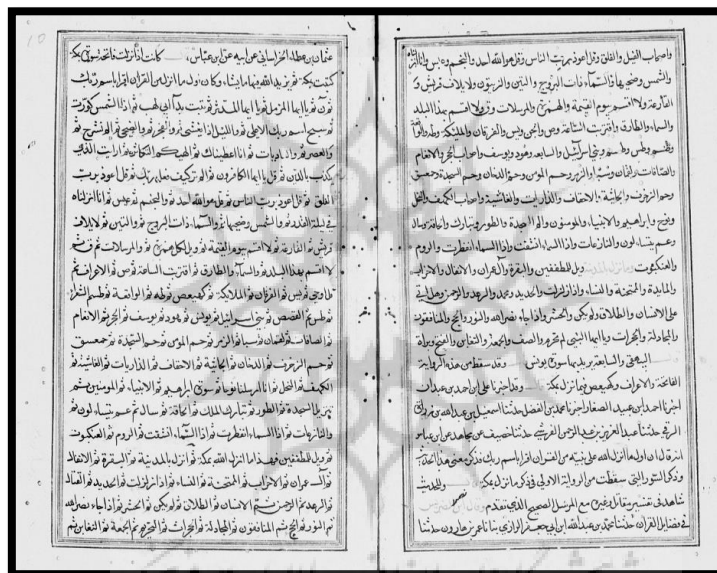
ابراهیم بن عمر بقاعی، در کتاب «مصاعد النظر للأشراف علی مقاصد السور» ذیل اولین سوره یعنی فاتحه، در باب ضابط المکی والمدنی، پس از نقل روایت جابر بن زید از البیان دانی، به مقایسه آن با روایتی که «بیهقی» از عکرمه و حسن آورده است می‌پردازد. او سند روایت را ذکر می‌کند و پس از آن اختلافاتی که روایت عکرمه و حسن با روایت جابر دارد که شرح می‌دهد (بقاعی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۶).

۱-۹. روایت عکرمه و حسن در الاتقان و التحبیر سیوطی

سیوطی، در نوع اول از هشتاد نوع کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» خود، یعنی فی معرفه المکی والمدنی، روایت عکرمه و حسن را به نقل از دلائل النبوه بیهقی با تصریح به منبع و ذکر اسناد و متن کامل آن می‌آورد (سیوطی،

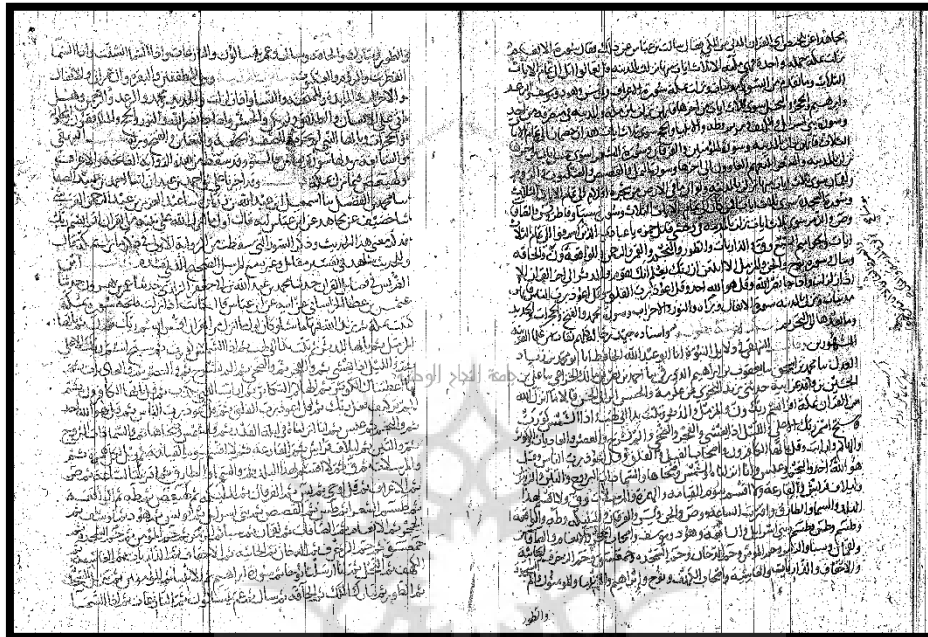
۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۰؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۴۰). نسخه تحقیق مرکز دراسات القرآنیه، واژه «التاسعة» را که در دلائل النبوة بیهقی به جای سوره یونس آمده است، مطابق نسخ خطی الاتقان به صورت «السابعة» نوشته است (سیوطی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۱-۵۲)، اما نسخه تحقیق ابراهیم و تحقیق زمزلی آن را به صورتی که در دلائل النبوه آمده یعنی «التاسعة»، تغییر داده‌اند (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۸).

تصویر ۲: روایت عکرمه و حسن در نسخه خطی کتابخانه دانشگاه پرینستون، کتابت شده در سال ۸۷۸ ق



در بررسی نسخ خطی الاتقان، نام سوره یونس هر دو بار به شکل «السابعة» نوشته شده است (سیوطی، نسخه خطی ۸۷۸ق، تصویر ۱۰؛ نسخه خطی ۸۸۵ق، تصویر ۷؛ نسخه خطی ۹۶۷ق، تصویر ۶؛ نسخه خطی الازهر، تصویر ۶)

تصویر ۳: روایت عکرمه و حسن در نسخه خطی کتابخانه جامعه النجاشی، کتابت شده در سال ۸۸۵ ق



در نسخه کتابت شده در سال ۸۸۵، سورة «نحل» از قلم افتاده است و در نسخه کتابت شده در سال ۹۶۷، عبارت توضیحی بیهقی شامل معنای سورة تاسعه و سور جافتاده از فهرست، حذف شده است.

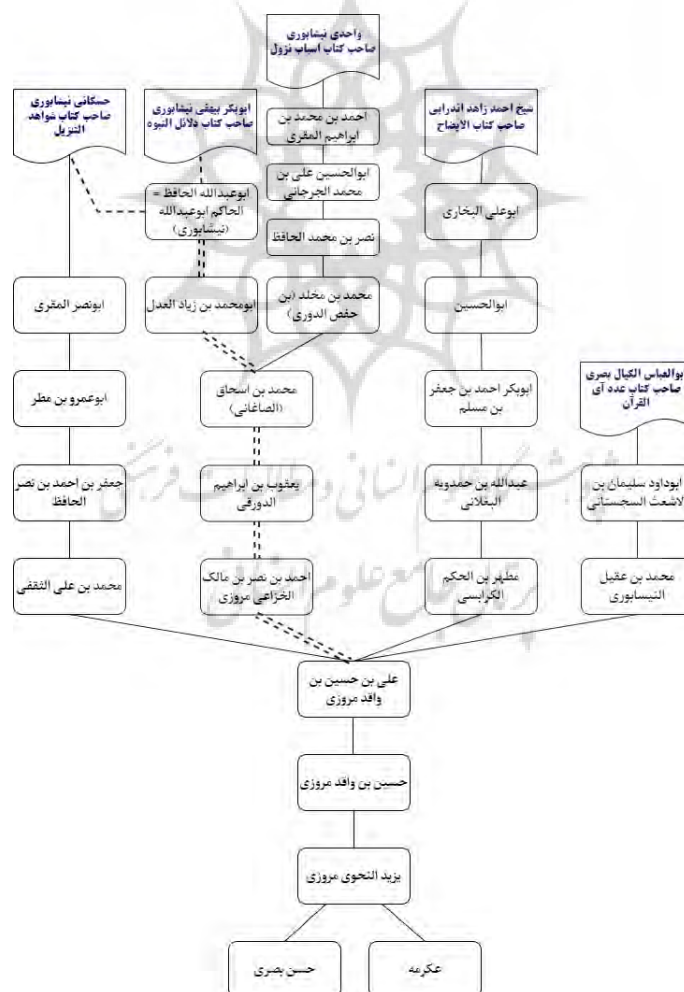
در «التحیر فی علم التفسیر» سیوطی در «النوع الاول والثانی: المکی والمدنی» روایت عکرمه و حسن به همین صورتی که در الاتقان آمده، تکرار شده است. تنها اختلافی که وجود دارد در ترتیب هود-یوسف است که در التحیر به اشتباه یوسف بر هود مقدم شده است (سیوطی، ۱۴۰۲ق، ص ۴۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۴). در چاپ دارالفکر بیروت، نام یعقوب بن ابراهیم نیز به اشتباه یعقوب بن اسحاق نوشته شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۴).

۲. تبارشناسی روایت عکرمه و حسن

ابوالعباس الکیال بصری در عدد آی القرآن، احمد بن حسین بیهقی نیشابوری در دلائل النبوه، علی بن احمد واحدی نیشابوری در اسباب نزول القرآن، احمد بن ابی عمر اندرابی در الايضاح فی القرائات و عبیدالله حسکانی نیشابوری در شواهد التنزیل، روایت عکرمه و حسن را که به صورت سماعی از مشایخ خود دریافت نموده، مکتوب کرده‌اند. منابع بعدی تنها نقل‌کننده روایت عکرمه و حسن از این آثار مکتوب هستند، اما گردآوری و بررسی آن‌ها از این لحاظ که میزان عنایت و اقبال علما و صاحبان رأی به این روایت را نشان می‌دهد، ارزشمند و شایان توجه است.

اسناد تمامی این روایات تا علی بن حسین بن واقد مشابه است: علی بن حسین بن واقد از پدرش حسین بن واقد از یزید النحوی از عکرمه و حسن بصری. همانطور که بررسی اسناد روایات عکرمه و حسن نشان می‌دهد، این فهرست در هیچ طریقی به ابن عباس منسوب نشده است. بنابراین اگر این ترتیب را فهرستی روایی بدانیم، به اصطلاح علم حدیث، حدیث مقطوع (یا موقوف) خواهد بود. نمودار زیر شبکه اسناد روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن را نشان می‌دهد:

نمودار ۲: شبکه اسناد روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن بصری



البته در الایضاح اندرابی که نسخه خطی موجود آن مورد بررسی قرار گرفت، میان علی بن حسین بن واقد و یزید النحوی عنوانی ذکر نشده، اما با توجه به اسناد روایت در سایر منابع به نظر می‌رسد عبارت «عن ابیه» یا «عن حسین بن واقد» در کتابت جا افتاده باشد.

در منابع بعدی، ذهبی سند را تنها تا حسین بن واقد آورده، اما سایر منابع اسناد یا منبع نقل خود را کامل ذکر کرده‌اند. به جز مجمع البیان طبرسی که این روایت را از الایضاح اندرابی و به صورتی ناکامل نقل کرده است، بقیه منابع بعدی فقط از دلائل النبوه بیهقی نقل قول کرده‌اند. حتی آثار معاصر نیز به سایر منابع این روایت توجهی نکرده‌اند. به همین دلیل تصور شده است که به طور کلی در ترتیب عکرمه و حسن، مانند ترتیب جابر بن زید، سوره آل عمران بر انفال مقدم است. حال آنکه در تحریرهای دیگر این روایت، ترتیب این دو سوره مشابه سایر فهرست‌های ترتیب نزول است (در نمودار شبکه اسناد، طریقی که ترتیب آل عمران-انفال را روایت کرده به صورت خط چین نشان داده شده است). این جابه‌جایی دو سوره می‌تواند ناشی از تغییرات سهوی یا عمدی توسط راویان یا کاتبان باشد. هرچند، شباهت دو فهرست عکرمه - حسن و جابر بن زید در جایگاه خاص سوره مائده و نیز در تقدم آل عمران بر انفال، احتمال تغییر سهوی در نقل و کتابت را کم می‌کند و نشان می‌دهد که این دو فهرست ریشه مشترکی دارند. از سوی دیگر، این دو فهرست با فهرست کرب به گزارش خود از کتاب ابن عباس نیز که مائده را در جایگاهی مشابه این دو فهرست در اوایل فهرست سور مدنی جایگذاری کرده است در محتوای روایت قرابت دارند، اما در فهرست کرب ترتیب انفال - آل عمران مطابق معمول فهرست‌های روایی است. بنابراین دو احتمال را می‌توان مدنظر گرفت:

الف- ترتیب نامتداول آل عمران - انفال تا جایی در ترتیب عکرمه و حسن وجود داشته و سپس توسط راویان یا کاتبان تصحیح شده است. تعدد طرق نقلی که ترتیب متداول دارند بیشتر است و احتمال تصحیح همزمان در سه طریق کمتر از احتمال خطا در یک طریق است. با این وجود شباهت این فهرست به ترتیب جابر بن زید این احتمال را یاری می‌کند.

ب- ترتیب نامتداول آل عمران - انفال تنها در طریقی که بیهقی و حسانی از آن نقل کرده‌اند توسط راویان و کاتبان سهوا یا عمدا ایجاد شده است. این احتمال با متداول بودن ترتیب این دو سوره در فهرست کرب سازگارتر است. در این صورت ارتباط روایت جابر با روایت عکرمه-حسن باید مربوط به همین طریق باشد.

در شرح حال عکرمه آمده است که او به سرزمین‌های مختلف از جمله مرو سفر داشته است و تراجم از یزید بن ابوسعید النحوی مروزی و حسین بن واقد مروزی به عنوان راویان او یاد کرده‌اند (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، صص

۲۶۵-۲۷۰). اگر انتساب روایت به عکرمه درست باشد، حضور او در مرو می‌تواند زمینه مرجعیت و مقبولیت وی و شکل‌گیری این روایت و نشر آن در بوم مرو بوده باشد. تأکید بر بوم مرو به این دلیل است که در شرح حال این راویان یعنی یزید نحوی و حسین بن واقد به جز مرو و خراسان به حضور ایشان در سرزمین‌های دیگر اشاره نشده است و به جز معدود شخصیت‌هایی چون عکرمه، مجاهد و عبدالله بن بریده (که خود قاضی مرو معرفی شده (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۵، ص ۳۰)) از دیگر تابعان روایتی نداشته‌اند (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۹، ص ۲۷۰؛ ج ۳، ص ۶۶؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۷، ص ۶۲۲؛ ج ۶، ص ۲۰۹). درباره‌ی علی بن حسین بن واقد مروزی نیز گفته‌اند تنها از پدرش نقل کرده و همشهری‌هایش از او روایت کرده‌اند (ابن‌حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۴۶۰). بنابراین به نظر می‌رسد حوزه ارتباطی این راویان به مرو محدود می‌شود. در راویان بخش متأخر در شبکه اسناد روایت نیز رجال مروزی و نیشابوری و به طور کلی خراسانی (مانند بغلانی، صاغانی و بخاری) حضور پررنگی دارند. ولایت بغلان که هم اکنون در کشور افغانستان واقع است، در گذشته جزو خراسان به شمار می‌رفته است. عبدالله بن حمدویه البغلانی از راویانی است که اندرابی از طریق آن روایت عکرمه و حسن را دریافت کرده است. اندراب نیز از توابع بغلان به شمار می‌رود. صاغان یا چغان نیز روستایی در مرو است. محمد بن اسحاق با توجه به شرح حال الدورقی، محمد بن اسحاق الصاغانی است (خطیب بغدادی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۶، ص ۴۰۴). همچنین بخارا که هم اکنون در کشور ازبکستان قرار دارد، در گذشته جزو خراسان به حساب می‌آمد. مؤلفان کتب و گردآورندگان این روایت نیز اکثراً نیشابوری و خراسانی‌اند: بیهقی نیشابوری، واحدی نیشابوری، حسکانی نیشابوری و اندرابی خراسانی؛ همه، به جز ابوالعباس کیال بصری که شرح حالی برای بررسی بیشتر از او در دست نیست.

۳. اعتبارسنجی روایت عکرمه و حسن

شبکه اسناد روایت عکرمه و حسن، نشان می‌دهد که علی بن حسین واقد حلقه مشترک این روایت است. بنابراین به تعبیر بدینانه شاخت و ینبل، او سازنده نسخه اولیه حدیث و جاعل سند آن است (آقایی، ۱۳۸۵ش)، اما از منظر اعتدالی تر موتسکی، او نخستین گردآورنده و نشردهنده حدیث است و برای اثبات جعل یا تغییر عمدی و سهوی در متن و سند حدیث شواهد بیشتری لازم است (آقایی، ۱۳۸۹ش). از نگاه ینبل، شبکه اسناد فوق به اصطلاح یک شبکه عنکبوتی است زیرا طرق نقل از علی بن حسین تا منبع، طرق منفرد هستند. به عبارت دیگر، شاگردان حلقه مشترک، خود حلقه مشترک فرعی نبوده و هر طبقه از راویان دارای شاگردان متعدد نیستند. در این شبکه اسناد، بنابر تحلیل ینبل، حلقه مشترک حقیقی وجود ندارد و علی بن حسین حلقه مشترک ظاهری است که از نظر او فاقد اعتبار تاریخی است. اما از نظر موتسکی به صرف منفرد بودن طرق نقل از حلقه مشترک، نمی‌توان به جعلی بودن

و بی اعتبار بودن این شبکه اسناد از لحاظ تاریخی حکم کرد. موتسکی قدمت ساخت یا گردآوری و نشر نظام‌مند روایت را به حلقه مشترک یا حتی پیش از او (مروی عنه حلقه مشترک) قابل قبول می‌داند و می‌گوید به طور پیشینی نمی‌توان حقیقی بودن حلقه مشترک را انکار کرد. هرچند تنها با تحلیل سندی نمی‌توان تاریخی بودن مروی عنه حلقه مشترک را اثبات کرد و باید از تحلیل متنی نیز بهره گرفت. روش پیشنهادی موتسکی «روش ترکیبی تحلیل اسناد - متن» است (آقایی، ۱۳۸۹ش).

با به‌کارگیری این روش در تحلیل روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن و با فرض آنکه ترتیب نزول سوره‌های قرآن، در اصل روایتی واحد بوده و از ابتدا حاصل اجتهاد نبوده‌اند (که مشابهت زیاد میان اقوال مختلف ترتیب نزول قرینه‌ای برای اثبات این فرضیه است)، می‌توان گزاره ذیل را محتمل دانست: اختلاف متنی میان متن روایت عکرمه و حسن با سایر روایات ترتیب نزول حاصل اعمال تغییرات عمدی یا بی دقتی در نقل توسط حلقه مشترک یعنی «علی بن حسین بن واقد» یا مروی عنه او (حسین بن واقد) است. در مورد ترتیب یادشده، جابه‌جایی سوره مائده نسبت به غالب روایات ترتیب نزول خطای سهوی به نظر نمی‌رسد.

با ادامه به کارگیری روش تحلیل اسناد-متن بر روی دو نسخه مختلف روایت عکرمه و حسن که در ترتیب انفال-آل عمران اختلاف دارند، می‌توان این نتیجه را نیز گرفت که تقدم آل عمران بر انفال، حاصل اعمال تغییرات عمدی یا سهوی توسط یکی از راویان در طریق مشترکی است که بیهقی و حسانی از آن طریق روایت را دریافت کرده‌اند. اگر متن روایت اسباب نزول واحدی کامل می‌بود، بهتر میشد حدس زد که این تغییر توسط راویان کدام بخش از سند اعمال شده است. اما ناکامل بودن متن روایات، تحلیل اسناد - متن را با عدم قطعیت بیشتری مواجه می‌کند. به هر سو، اگر روایت اسباب نزول واحدی نیز مشابه بیهقی و دومین نسخه روایت حسانی باشد، می‌توان گفت «محمد بن اسحاق (الصاغانی)» یا یکی از شیوخ او تا نقل از علی بن حسین بن واقد مسئول این اختلاف نسخه یعنی مقدم داشتن آل عمران بر انفال هستند؛ زیرا در سند هر سه طریق، خط «محمد بن اسحاق از یعقوب بن ابراهیم دورقی از احمد بن نصر خزاعی» مشترک است. در غیر اینصورت، یعنی اگر در متنی که واحدی دریافت کرده و آن را ناقص نقل کرده است، انفال پیش از آل عمران بوده باشد، بنابراین مسئول این جابه‌جایی در نقل بیهقی و حسانی مروی عنه مشترک آن‌ها یعنی «حاکم نیشابوری» یا شیخ او «محمد بن زیاد العدل» خواهد بود. با توجه به این که تقدم غیرمعمول آل عمران بر انفال در روایات عکرمه و حسن، در اصل تنها از یک طریق نقل شده، و در مقابل ترتیب معمول انفال - آل عمران با سه طریق نقل شده است، اعتبار ترتیب آل عمران-انفال در روایت عکرمه و حسن مورد تردید است.

اسناد روایت و بوم راویان نشان می‌دهد روایت عکرمه و حسن بصری بیش از آن که در بصره منتشر شده باشد در مرو و نیشابور گسترش داشته است. حلقه مشترک این شبکه یعنی علی بن حسین بن واقد و مروی عنه او یعنی پدرش حسین بن واقد قاضی مرو که به عقیده موتسکی اهمیت او در پیدایش حدیث بیش از حلقه مشترک است و حتی شیخ او یزید نحوی همه مروزی هستند. بنابراین می‌توان احتمال داد که خاستگاه این روایت یا نشر اولیه آن بدین ترتیب، سرزمین مرو و توسط حسین بن واقد یا به احتمال کمتر، پسر او باشد. دلیل این که یزید النحوی به عنوان اولین صورت دهنده و نشردهنده روایت محسوب نمی‌شود اینست که روایت به طریق دیگری از او نقل نشده و اگر او این روایت را نشر داده بود باید اثری از نقل او توسط دیگر شاگردانش در منابع یافت می‌شد. به همین ترتیب، عکرمه و حسن نیز بعید به نظر می‌رسد که خود اولین مولد این عبارات باشند. با این وصف، هرچند اولین نشر دهنده این روایت را می‌توان علی بن حسین بن واقد دانست، اما با نگاه خوشبینانه، او این روایت را از پدرش شنیده است و در واقع حسین بن واقد اولین ارائه کننده روایت محسوب می‌شود که پسرش پس از دریافت روایت آن را برای شاگردانش نقل کرده است. حسین بن واقد به دلیل شخصیت فقهی و تکیه بر مسند قضاوت، اهتمام زیادی به بحث ناسخ و منسوخ داشته، روایات متعددی در این زمینه نقل کرده (ر.ک: باباصفری رنانی، ۱۴۰۰ش) و صاحب کتاب ناسخ و منسوخ است (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ص ۵۳). با توجه به پیوند تنگاتنگ بحث نسخ با ترتیب نزول، او انگیزه کافی برای روایتگری درباره ترتیب نزول داشته است. به علاوه آن که حسین بن واقد در سند روایت ترتیب نزول دیگری حضور دارد که سند بر روی وی متوقف شده و خود صاحب آن ترتیب به شمار می‌آید. همچنین در روایتی دیگر، اولین و آخرین سوره‌های نازل در مکه و مدینه را از علی بن حسین بن علی (ع) نقل کرده است (واحدی، ۱۴۱۹، ص ۱۳). بنابراین او در زمینه ترتیب نزول صاحب نظر بوده است. اگر نخواهیم روایت منسوب به عکرمه و حسن را نمونه‌ای از «رشد وارونه سند» به حساب آوریم، می‌توان این فرض را در نظر گرفت که حسین بن واقد یکبار ترتیبی را به نقل از مرجعی کهن‌تر (یزید نحوی از عکرمه و حسن) روایت کرده و بار دیگر ترتیب دیگری را نقل کرده یا نظر خود را بیان داشته است.

در مورد انتساب این روایت به حسن بصری چند مسأله به نظر می‌رسد: یکی آن که انتساب یک روایت از طریقی منفرد به دو تابعی محل تردید است، به خصوص آن که طبق بررسی‌های نگارنده، راویان بخش مقدم این شبکه، یعنی حسین بن واقد و یزید النحوی جز با همین الگوی نقل، روایت دیگری از حسن بصری ندارند؛ اما از عکرمه هم به همین طریق و هم به صورت جداگانه و مستقیم روایت نقل می‌کنند. غالب روایات نقل شده با این طریق و با همین الگو، پیرامون ناسخ و منسوخ هستند (ر.ک. باباصفری رنانی، ۱۴۰۰ش). در شرح حال حسن

بصری نیز نامی از این دو راوی به عنوان روایت‌گران او برده نشده است. همچنین در شرح حال یزید نحوی و حسین بن واقد نیز اشاره‌ای به شاگردی و روایت ایشان از حسن بصری نشده است. بنابراین این فرضیه شکل می‌گیرد که حتی اگر نقل این ترتیب از عکرمه، حداقل به اندازه مضمون روایت قابل قبول باشد، انتساب آن به حسن بصری با عطف به عکرمه مورد تردید است و احتمال می‌رود صرفاً برای اعتباربخشی بیشتر به روایت توسط راویان بعدی به سند اضافه شده باشد.

آنچه به عنوان مسأله اصالت در این بخش بررسی شد، صحت انتساب فهرستی به ترتیب موجود با ویژگی‌های خاص آن به عکرمه و حسن بصری است. درباره شکل‌گیری شاکله کلی فهرست‌های ترتیب نزول در پژوهش‌های دیگری که با همین روش صورت گرفته است، نشان داده‌ایم که اولاً: انگیزه تدوین یک فهرست بر اساس شواهد و روایات زمان نزول، مقوله نسخ بوده است. صاحبان فهرست‌های ترتیب نزول اغلب فقهای زمان خود و صاحب نظر و تألیف در حوزه نسخ و منسوخ بوده‌اند. لازمه بحث نسخ، تقدیم منسوخ بر ناسخ است و لذا در سوری که آیات الاحکام ندارد، انگیزه‌ای برای جابجایی در فهرست ترتیب نزول نبوده است. ثانیاً: فهرست کردن اسامی سور بر اساس ترتیب نزول و روایت آن از زمان عطاء خراسانی در نیمه قرن اول صورت گرفته است (رک. جان‌نثاری، احمدنژاد، ۱۴۰۴ش)؛ اما تدوین یک فهرست جدید با جابجایی ترتیب برخی سور (مانند سوره مائده و آل‌عمران - انفال) نسبت به فهرست‌های موجود و انتشار آن با انتساب به عکرمه و حسن در بوم مرو، توسط حسین بن واقد در نیمه قرن دوم انجام شده است. بنابراین این دو تابعی چنین فهرستی با ویژگی‌های موجود را در زمان خود منتشر نکرده‌اند و اساساً دغدغه ارائه یک ترتیب نزول مورد تأیید خود را نداشته‌اند.

نتایج تحقیق

آنچه با گردآوری روایات ترتیب نزول از کهن‌ترین منابع موجود و بررسی اسناد و متن این روایات، درباره فهرست ترتیب نزول عکرمه و حسن بصری به دست می‌آید این است که:

۱. منابع کهن روایت عکرمه و حسن از آنچه در کتب و مقالات معاصر ذکر شده، بیشتر است. عدد آی القرآن ابوالعباس الکیال، تاریخ الاسلام ذهبی و مصاعد النظر بقاعی نیز روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن را نقل کرده‌اند. توجه به این آثار در تصحیح نسخ و متن اصیل فهرست مؤثر بوده است.
۲. در میان فهرست‌های روایی، پس از فهرست عطاء خراسانی، روایت عکرمه و حسن بیش از سایر فهرست‌ها در منابع منتشر شده است.

۳. ترتیب نزول عکرمه و حسن، تا جایی که بررسی شد، در هیچ منبعی و هیچ کدام از طرق نقل به ابن عباس یا صحابی دیگری منسوب نشده است. محتوای اولیه این ترتیب در اصل روایی است؛ اما اختلافات این ترتیب با مجموعه روایات ترتیب نزول در مواردی محصول اجتهاد و اعمال نظر راویان است.
۴. ویژگی‌های خاص این فهرست یعنی اولین سوره مدنی، جایگاه سوره مائده و ترتیب آل عمران- انفال، به اعمال نظر در طبقه تابعان روایت مربوط نیست؛ زیرا نه طریق دیگری برای نقل این ترتیب از عکرمه و حسن دیده می‌شود و نه روایت دیگری از ایشان در دست است که به طور خاص به زمان نزول مطففین، مائده و آل عمران اشاره کرده باشند.
۵. کهن‌ترین مرجعی که تدوین این فهرست با ویژگی‌های خاص آن می‌تواند داشته باشد، حسین بن واقد مروزی است. تدوین فهرست بر اساس اقوال تابعان، ترجیح اقوال مختلف یا اعمال نظر در جایگاه سوره مطففین، تقدیم سوره مائده در بخش مدنی و حتی ترتیب آل عمران- انفال از سوی او محتمل است. دلایل این فرضیه عبارتند از:
 - أ. از حسین بن واقد، فهرست ترتیب نزول دیگری نیز روایت شده که سند آن منتهی به خود ابن واقد است. همچنین اولین و آخرین سور نازل در مکه و مدینه را به نقل از امام سجاد (ع) گزارش کرده است.
 - ب. شبکه اسناد روایت ترتیب نزول عکرمه و حسن دارای حلقه مشترک است: پسر حسین بن واقد.
 - ج. حسین بن واقد، مروی^۱ عنه حلقه مشترک این روایت، به دلیل شخصیت فقهی و تکیه بر مسند قضاوت، علاقه به بحث ناسخ و منسوخ و صاحب نظر بودن در زمینه ترتیب نزول، انگیزه کافی برای تدوین فهرست و روایتگری درباره ترتیب نزول داشته است.
 - د. الگوی خاص نقل از عکرمه و حسن بصری به صورت معطوف، به خصوص این که یزید النحوی هیچ روایتی به طور مستقل از حسن بصری ندارد.
 - ه. فهرست عکرمه و حسن بعد از حلقه مشترک با محتوای تقریباً مشابه از دو طریق مختلف نقل شده است. بنابراین تدوین اولیه فهرست حداکثر توسط حلقه مشترک صورت گرفته و دخالت عمدی از سوی راویان و کاتبان در آن دخیل نیست.
 - و. این روایت تنها توسط اهل مرو نقل شده و در بوم نیشابور نشر یافته است.

بنابراین می‌توان اینطور نتیجه گرفت که تدوین متن روایت بدین شکل به نیمه قرن دوم بازمی‌گردد. انتساب این روایت به عکرمه و حسن بصری نیز رشد وارونه سند است؛ البته به طور خاص ترتیب انفال-آل‌عمران ممکن است توسط یکی از راویان بعدی در طریقی که بیهقی استخراج کرده است جابه‌جا شده باشد.

به طور کلی بررسی‌های این پژوهش بر روی تبار و اصالت فهرست‌های روایی، این فرضیه را تقویت می‌کند که روایات ترتیب نزول به شکل موجود در اصل نقل از صحابه و شهود تاریخی قائل فهرست نیست، بلکه شاکله اصلی فهرست به عنوان یک گزاره تاریخی همراه با تردیدها و ابهام‌ها و اختلافات میان اهل زمان روایت و منتشر شده است تا جایی که اولین تدوین‌کننده فهرست ترتیب نزول یعنی عطاء خراسانی، آنچه به عنوان ترتیب و زمان نزول شهرت داشته را جمع کرده و با ترجیح اقوال بر پایه قرائن نقلی و اجتهادی عناوین سوره‌ها را به شکل فهرست نزولی مرتب کرده است. اختلاف نظرها بر سر ترتیب نزول برخی سور به خصوص سور حاوی آیات الاحکام و آیات ناسخ و منسوخ از ابتدا تا کنون باقی مانده و در طول زمان باعث ارائه فهرست‌های جدید به ویژه توسط فقها و صاحب‌نظران حوزه نسخ شده است. در مورد روایت منتسب به عکرمه و حسن نیز توجه به پیوند موضوع ناسخ و منسوخ با ترتیب نزول و صاحب‌نظر بودن حسین بن واقد در زمینه نسخ و دارا بودن کتاب ناسخ و منسوخ، مؤید این فرضیه است.

کتاب‌نامه

- آقای، سید علی (۱۳۸۵)، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد- نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیر ینبل»، *علوم حدیث*، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۱۴۵-۱۶۸.
- آقای، سید علی (۱۳۸۹)، «مواجهه محدثان مسلمان با پدیده رشد وارونه سندها»، *صحیفه مبین*، شماره ۴۸، صص ۱۷۵-۲۰۶.
- الآبیاری، ابراهیم (۱۴۰۵ق)، *الموسوعة القرآنية*، مؤسسه سجل العرب.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن احمد الرازی (۱۲۷۱ق)، *الجرح والتعديل*، طبعه مجلس دائرة المعارف العثمانیه بحیدرآباد الدکن، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن حبان، محمد (۱۳۹۳ق)، *الثقات*، تحت نظارت: محمد عبدالمعید خان، چاپ اول، حیدرآباد دکن هند: دائرة المعارف العثمانیه.
- ابن العربی، ابوبکر (۱۴۱۳ق)، *الناسخ والمنسوخ فی القرآن الکریم*، تحقیق عبدالکبیر العلوی المدغری، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۲ق)، *مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر*، تحقیق روحیه النحاس، ریاض عبدالحمید مراد، محمد مطیع، چاپ اول، دمشق: دارالفکر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق ابراهیم رمضان، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۲۰۰۹م، ۱۴۳۰ق)، *الفهرست*، تحقیق دکتر ایمن فؤاد سید، لندن: موسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
- اقبال، ابراهیم؛ فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۴)، «تاریخ‌گذاری سوره حج»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال بیستم، شماره سه، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۱۲ تا ۱۳۹.
- اندرابی، عمر بن محمد (۱۴۲۳ق)، *الایضاح فی القرائات العشر*، تحقیق منی عدنان غنی، به راهنمایی غانم قدوری الحمد، بی‌جا: بی‌نا.
- باباصفری رنانی، عرفانه (۱۴۰۰)، *جریان‌شناسی اندیشه نسخ در دو قرن نخست هجری بر پایه تحلیل روایات راویان ناسخ و منسوخ* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه اصفهان، ایران.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۰۸ق)، *مصاعد النظر للإشراف علی مقاصد السور*، تحقیق عبدالسمیع محمداحمد حسنین، چاپ اول، ریاض: مکتبه المعارف.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلجی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جان‌نثاری، سعیده؛ احمدنژاد، امیر (۱۴۰۴)، «خاستگاه و تطور فهرست‌های نقلی ترتیب نزول قرآن کریم در منابع اولیه»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، دانشگاه تهران، دوره ۵۸، شماره ۱، صفحات ۱۰۹-۱۳۳.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التزیل*، تحقیق محمداقبر محمودی، تهران: وزره الثقافه والارشاد الاسلامی.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *تاریخ بغداد أو مدینه السلام*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دانی، عثمان بن سعید (۲۰۱۱م)، *البیان فی عد آی القرآن*، تحقیق فرغلی سید عرباوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام التدمری، بیروت: دارالکتب العربی.

سزگین، فؤاد (۱۹۹۱م)، *تاریخ التراث العربی*، ترجمه به عربی: محمود فهمی حجازی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۹۴ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: هیئته المصریه العامه للکتاب. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق فواز احمد زمرلی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۶ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق مرکز الدراسات القرآنیه، مدینه منوره: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشریف.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۲ق)، *التحیر فی علم التفسیر*، ریاض: دارالعلوم. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، *التحیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالفکر. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مقدمه محمد جواد بلاغی-محسن حسینی عاملی، تصحیح هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دارالمعرفه. طبری، محمد بن جریر (بی تا)، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، تحقیق محمود محمد شاکر، تصحیح احمد محمد شاکر، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.

الکیال، ابوالعباس محمد بن یعقوب المعدل (۱۴۴۳ق)، *عدد آی القرآن علی مذهب اهل البصره*، تحقیق عمر یوسف عبدالغنی حمدان، توپینگن: کرسی تدریس العلوم القرآنیه، مؤسسه علوم الشرعیه، دانشگاه توپینگن. الکیال، ابوالعباس محمد بن یعقوب المعدل (۱۴۴۴ق)، *عدد آی القرآن علی مذهب اهل البصره*، تحقیق بشیر بن الحسن الحمیری، امارات متحده عربی-دبی: بی نا.

مزی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۰ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله.

مقاتل، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، لبنان: دار احیاء التراث العربی.

نزال، عمران سمیع (۱۴۲۷ق)، *الوحدہ التاریخیه للسنن القرآنیه*، دمشق/عمان: دار القراء/دار قتیبه.

نکونام، جعفر (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران: نشر هستی نما.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۹ق)، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق زغلول کمال بسیونی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

نسخ خطی

أندرابی، احمد بن ابی عمر، الإيضاح فی القراءات العشر، تصویر تک نسخه خطی استانبول.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (تاریخ کتابت: ۸۷۸ق)، *الاتقان*، نسخه خطی اول. ایالات متحده (نیوجرسی): کتابخانه دانشگاه پرینستون.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (تاریخ کتابت: ۸۸۵ق)، *الاتقان*، نسخه خطی دوم. نابلس: مخطوطات جامعه النجاح.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (تاریخ کتابت: ۹۶۷ق)، الاتقان، نسخه خطی سوم. اصفهان: موزه نسخ خطی دانشگاه اصفهان.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (تاریخ کتابت: -)، الاتقان، نسخه خطی چهارم، قاهره: مخطوطات جامعه الازهر.
شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۸ش)، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار. تهران: مرکز انتشار نسخ خطی - با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
الکیال، ابوالعباس محمد بن یعقوب (تاریخ کتابت: قرن ۹ یا ۱۰)، عدد آی القرآن علی مذهب اهل البصره. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

Bibliography:

- al-Abyārī Ibrānī m (1555), *al-Mawsū'a al-Qur'āniyya*. Sijill al-'Arbb Institute. (In Arabic)
Anaarābī, 'Umar .. auaa mmdd (2222), *al-Īdāh fī al-qirā'āt al-'ashr. ...* Munā 'Adnān Gaanī, eueervisyy yy y iāni m Quūūrī Il-Ḥam.. n...: n... (In Arabic)
. qā'ī, yyyid 'Alī (2006), "Dating Traditions Based on Isnad Analysis, A Critical Review of Juynboll's Methodology" *Ulūm-i Ḥadīth*, vol. 11, no. 3, pp. 145–168. (In Persian)
Āqā'ī, yyyid 'Alī (2010) "The Enounter ff sus lim Ḥm th ooolars with the Pmmmmmmmmrthe cckgrwtf ff isnāss." *Ṣaḥīfa-yi Mubīn*, no. 48, pp. 175–206. (In Persian)
Bābāafārī Ranānī, 'Urfāna (2221), *Genealogy of the Concept of Naskh in the First Two Islamic Centuries Based on the Analysis of Narratives of Abrogating and Abrogated Reports* (M.A. thesis), University of Isfahan, Iran. (In Persian)
Beymī , Aūū Bkkr Amnd .. Il-Ḥuaayn (1555), *Dalā'il al-nubuwwa wa ma'rifat aḥwāl ṣāḥib al-sharī'ad dd 'Add Il-'u' tī Qil'ajīs 1st ddBBīBrut: Dār Il-Kutub al-'Ilmiyy..* (In Arabic)
Bu'ā'ī, Ibrānī m .. 'Umar (1888), *Maṣā'id al-naẓar li-l-ishrāf 'alā maqāṣid al-suwar. ...* 'Add al-mmī auaa a mḥ ḥ ḥ dd Huanaynt 1t yyy yyy: aa ktaat al-aa 'ārif. (In Arabic)
Dānī, 'Utmān .. S'īd (0011), *al-Bayān fī 'add āy al-Qur'ān. ...* aarglll ī yyyid 'Arbbāwī, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyy.. (In Arabic)
Daaaī , ḥuḥ mmmdd .. Amnd (1992), *Tārīkh al-Islām wa wafayāt al-mashāḥir wa-l-a'lām*. Ed. 'Umar 'Alī Il -ll ām Il -TmmmmB Bī rut: Dār Il -Kitāb Il -'Arī . (In Arabic)
Ellāl , Ebrān m; Feqī zādeh, 'Abd al-Ḥān (0015), "Chronl ggiell Dtting of ūrtt al-Ḥjj." *Pazhūhish-hā-yi Qur'ānī*, vol. 20, no. 3, Autumn 1394, pp. 112–139. (In Persian)
Ḥssakānī, 'Ubyyd Allāh .. 'Add Allāh (1000), *Shawāhid al-tanzīl li-qawā'id al-tanzīl*. Ed. auaa mmī iāi r aa mmī , Thhran: Wizārat al-Tqqqāfa aa -l-Irhāl Il -llāmī. (In Arabic)
Ibn Aī Ḥātm 'Add al-Ramān .. Amnd Il -Rāzī (1855), *al-Jarḥ wa-l-ta'dīl. Ta' tt Majlis Dā'irat al-aa 'ārif al-'Utmāniyya ii -Ḥyyaarābād Il -Dkkk,n, 1st e,,* Beirut: Dār Iyyā' al-Turāth Il -'Arbbī. (In Arabic)
Ibn al-'Arī , Aūū Bkkr (1222), *al-Nāsikh wa-l-mansūkh fī al-Qur'ān al-Karīm. ...* 'Add Il -Kbbīr al-'Alaaa a-aa ggaarīC Ġiro: Maktabat al-Tqqqāfa Il -Dīniyy.. (In Arabic)
Ibn al-Nī m, auaa mmdd .. Iḥāq (1996), *al-Fihrist. ...* Ibrānī m Rmndān, dnd ,,, , ii rut: Dār al-aa 'rif.. (In Arabic)

- Ibn al-Nīl m, auaa mm.. .hḥāq (9999), *al-Fihrist*. ... Amnan Fu'ād yyyioo oonoon: ol-qurqān Foundation for Islamic Heritage. (In Arabic)
- Ibn Ḥa,,ān, ,u,, mmdd (1773), *al-Thiqāt*. euee rveied yy auaa mmdd 'Add ll-'u' īd Khān, 1st ... , Ḥyyaarābād ll -Dkkk,n, India: Dā'irat al-aa 'ārif ll-'Utmnāniyy.. (In Arabic)
- Ibn aa nḡūr, auaa mmdd .. kuk arrmm(1222), *Mukhtaṣar Tārīkh Dimashq li-Ibn 'Asākīr*. Ed. Riii yya ll -Nḥḥḥā,, Riyāḍ 'Add ll -Ḥamīd Murā,, Muḥmmmmdd tuṭ ī', 1st ,,, , mnsuss: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Jānnesārī, S' 'īdeh; Amnḡdnez,ā,, , mīr (2025), "Origin and Evolution of Transmitted Lists of the Chronolggiaal Order ff Qur'anic Rvllation in Early Sources." *Pazhūhish-hā-yi Qur'ān wa Hadīth*, University of Tehran. (In Persian)
- Jānnesārī, S' 'īdeh; Amnḡdnez,ā,, , mīr; aa haavī-Rā,, Mummmmm' 'Alī (2025), "The origin and authenticity of the order of revelation narrative of Ibn Abbas as narrated by Ata Khorasani." *Majalla-yi Kitāb-i Qayyim*, University of Meybod Yazd, vol. 16, no. 1. (In Persian)
- Kyyyāl, Aūū ll-'Assās auaa mmdd .. Y' 'bbb al-'u' iiii l (2022), *Adad āy al-Qur'ān 'alā madhhab ahl al-Baṣra*, dd. 'Umar Yffuf 'Add ll -Gīnī Ḥmmān, , üii ngen: hhhrrstuhl für Qur'aniseee Wissnsccfff ten, Institut für Scharia-Wissenschaften, Universität Tübingen. (In Arabic)
- Kyyyāl, Aūū ll-'Assās auaa mmdd .. Y' 'bbb al-'u' iiii l (2023), *Adad āy al-Qur'ān 'alā madhhab ahl al-Baṣrae* e. Bssīī r aa aḥssan al-ḤimaarīD ḡiii : npp (In Arabic)
- Kaaṭīb Bggddādī, Amnḡd .. 'Alī (1887), *Tārīkh Baghdād aw Madīnat al-Salām*. Bii rut: Dār ll -Kutub al-'Ilmiyy.. (In Arabic)
- Mazzī, Yffuf .. 'Add ll -Rmmān (1980), *Tahdhīb al-kamāl fī asmā' al-rijāl*, eBB Bḥḥḥār 'Awwād aa 'rff, Bii rut: Mu'assaaat ll -Rīsāl.. (In Arabic)
- quqā til, Mutāt il .. lul mmiān (2002), *Tafsīr Muqātil b. Sulaymān*, ... 'Add Allāh aa mnḡd tttāt tt ooonon: Dār Iḥyā' ll -Turāta al-'Arīī . (In Arabic)
- Nkkmnām J' 'far (2001), *Daramadī bar tārīkh-guzārī Qur'ān* (An Introduction to the Dating of the Qur'ān), Tehran: Nashr Hasti-Nmnā. (In Persian)
- Nzzzāl, 'Imrān mmīḥ (2006), *al-Wahda al-tārīkhiyya lil-suwar al-Qur'āniyya*, Damascus/Amman: Dār al-Qurrā'/Dār Qutyy... (In Arabic)
- Nöldeke, Theodor; Schwally, Friedrich; Bergsträsser, Gotthelf; and Pretzl, Otto (2013), *The History of the Qur'ān*, ed. and trans. Wolfgang H. Behn, Boston/Leiden: Brill.
- zzzgin, Fu'ād (1991), *Tārīkh al-turāth al-'Arabī*. Araīī c tran.. yy aa mnḡd mmmīḥijāzī, Qmm Maktabat-i 'Umūmī-yi Ḥḡḡrtt Āytt Allāa al-'Umnā Mar'sshī Najffī.
- yuytt ī, 'Add al-Rḥḥmān .. Aīī Bkkr (1974), *al-Itqān fī 'ulūm al-Qur'ān*, ... Mummmmmdd Aūū ll -llll Ibrāīī mC Ġī ro: al-Hyy'a al-ii ṣriyya al-'Āmml l il-Kitā.. (In Arabic)
- yuytt ī, 'Add al-Rḥḥmān .. Aīī Bkkr (1982), *al-Taḥbīr fī 'ilm al-tafsīr*, Riyhḥh: Dār ll -'Ulm (In Arabic)
- yuytt ī, 'Add ll -Rmmān .. Aīī Bkkr (2000), *al-Itqān fī 'ulūm al-Qur'ān*, ... wwwāz Aḥmdd Zumrulīd dndddd dḡut: Dār al-Kutub al-'Arīī . (In Arabic)
- yuytt ī, 'Add ll -Rmmān b. Aīī Bkkr (2000), *al-Taḥbīr fī 'ilm al-tafsīr*, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- yuytt ī, 'Add ll -Rmmān .. Aīī Bkkr (2005), *al-Itqān fī 'ulūm al-Qur'ān*, ed. Markaz al-Dirāsāt ll -Qur'āniyyMMīī na: Mujamm' ' ll -Malik Fahd li-Tībā'at al-ṣuṣ fff al-Sharīf. (In Arabic)

Ṭbbārī, auaa mmdd .. Jarīr (n.d.), *Jāmi‘ al-bayān fī ta’wīl al-Qur’ān*, ... aa hmdd auaa mmdd kkākir, rvvA AnnMM Mmmmmkk kkākrC Ğīro: aa ktattt ITn Tyymiyy.. (In Arabic)
 Ṭbbārī, Flll .. Ḥssan (1988), *Majma‘ al-bayān fī tafsīr al-Qur’ān*, intr... auaa mmdd Jwwāl Bll āgī –suss in Ḥuaaynī ‘Āmilī, ... Hāiii m Rssll ī dnd llll Allāh Yzzī Ṭabāṭbbā’ī, Bii rut: Dār al-aa ‘rif.. (In Arabic)
 Wāii ī, ‘Alī .. Ammd (1998), *Asbāb nuzūl al-Qur’ān*, ... Zggll ll Kmāl Biyyīnī, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyy.. (In Arabic)

Manuscripts:

al-Kyyā, Aūū ll -‘Assās auaa mmdd .. Y‘‘bbb al-‘u‘ iiiī l (date of transcription: 9th–10th century), *‘Adad āy al-Qur’ān ‘alā madhhab ahl al-Baṣra*, Tehran: Majlis Library. (In Arabic)
 Anaarābī, Ammd .. Aī ‘Umar (n.d.), *al-Idāḥ fī al-qirā’āt al-‘ashr*, facsimile of a single manuscript, Istanbul. (In Arabic)
 hhhhrhṭtānī, Mummmd .. ‘Add al-Karīm (1989), *Maḥāṭib al-asrār wa-maṣābiḥ al-abrār*, Tehran: Markaz Enteshār Nuaak Kītī ī, in ooeertt iwn with aa jlīi ii brary. (In Arabic)
 yuytī, ‘Add al-Rḥmān .. Aī Bkr (date of transcription: 1473), *al-Itqān*, first manuscript copy, Princeton University Library, New Jersey, USA. (In Arabic)
 yuytī, ‘Add ll -Rmmān .. Aī Bkr (date of transcription: 1480), *al-Itqān*, second manuscript copy, Manuscripts of al-NajāU UniveriityN l u.. (In Arabic)
 yuytī, ‘Add al-Rḥmān .. Aī Bkr (date of transcription: 1559), *al-Itqān*, third manuscript copy, Manuscript Museum of University of Isfahan, Isfahan. (In Arabic)
 yuytī, ‘Add ll -Rmmān .. Aī Bkr (n.d.), *al-Itqān*, fourth manuscript copy, Manuscripts of al-Azhar University, Cairo. (In Arabic)